

نهادینه‌سازی سیستمی کارکرد دانشگاه‌ها در فرآیند توسعه کارآفرینی در سطح جامعه

دکتر ابوالقاسم شریف‌زاده^(۱)
 مهنوش شریفی^(۲)
 دکتر سعید غلامرضایی^(۳)
 دکتر همایون مرادنژادی^(۴)

مقدمه

مختلف نه تنها موجب ترویج دانش می‌گردد، بلکه با پیشرفت‌های پژوهشی، فناوریانه و علمی که به ارمغان می‌آورد، زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌سازد (Woodhall, 1992).

امروزه تمامی نظام‌های بشر ساخت بسان هستارهای اجتماعی در فرآیند متلاطم و پویای توسعه به نوعی تغییر و تحولات سریعی را تجربه می‌نمایند. در این بین لازم است که تمامی نظام‌های مزبور ضمن تدوین چشم‌اندازهای خویش برای حرکت به سوی آینده، رسالت‌های خویش را در قبال سایر نظام‌ها به مثابه جریان داد و ستد نهاد / ستاده مرسوم در دیدگاه نظام‌های باز، ملحوظ نمایند تا بتوانند طبق خاصیت پویایی خویش، طی طریق نموده و تحقق اثربخش و کارآمد اهداف نهادی را ممکن سازند. دانشگاه‌ها که همواره مدعی تربیت نیروی انسانی برای توسعه هستند نیز از این قاعده مستثنی نیستند. چنان که اکنون بر اساس دغدغه‌های دانایی‌پروری

امروزه تمامی کشورها برای دستیابی به هدف‌های راهبردی ملی، رشد اقتصادی و تولید ثروت، پویایی فرهنگی، تعالی مدنی و انسجام اجتماعی و بطور کلی طی طریق در سیر توسعه پایدار بر مبنای بسط نوآوری، فناوری و کارآفرینی، مدیریت دانش و دانایی محوری در سطوح و حوزه‌های مختلف، در پی بالندگی سرمایه انسانی و ارتقای کیفیت نیروی انسانی خویش می‌باشند. به همین منظور دولت‌ها قسمت اعظم بودجه سالانه خود را به بخش آموزش، به ویژه آموزش عالی و بهسازی کیفیت تولید آموزش نیروی انسانی، اختصاص می‌دهند (سامتی و همکاران، ۱۳۸۲). در واقع، آموزش عالی بیانگر نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم‌سازی زمینه بالندگی دانش، مهارت و نگرش نیروی انسانی در حوزه‌های فنی، حرفه‌ای و مدیریتی بخش‌های

۱ و ۳ و ۴: اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، لرستان و ایلام

۲: دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

کاربردی، خدمات‌رسانی روزآمد و فراگیر همساز با نیازهای متغیر اعضا و نهادهای مختلف جامعه، برقراری و تقویت پیوندهای نوآورانه متعامل مشتمل بر اقدامات مشترک، پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری و... نمونه‌ای از ساختارهای برخاسته از دیدمان در حال ظهور توسعه دانشگاهی به‌شمار می‌روند. قطعاً بهینه‌داشت پیوند جامعه و دانشگاه بسان یک نهاد پویا، نظام‌های حمایتی در حوزه بازرگانی، فنی، مالی و آموزشی / تحصیلی را به همراه دارد که سبب‌ساز پایداری نهادمند دانشگاه خواهد گردید که در نوع خود سودمندی دیالکتیک نهاد دانشگاه و جامعه با تمام نظام‌ها و نهادهای مربوطه در حوزه‌های مختلف را سبب خواهد گردید (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵).

بر این اساس، کارگزاران دانشگاهی بسان کنشگران اجتماعی متعهد و پاسخگو، می‌بایست با رصد نمودن تغییر و تحولات تاثیرگذار و شناسایی ضرورت‌های تحول و جهت‌گیری‌های نهادی مورد نیاز، ضمن بازتعریف رسالت‌ها و مأموریت‌های مورد انتظار، و ساخت ظرفیت‌های بسنده، در پی ایفای نقشی نهادمند، پویا و سیستمی در فرآیند بالندگی پایدار ملی برآیند. این امر خود نیازمند برنامه‌ریزی مبتنی بر شناخت و تحلیل جامع‌نگر و کلیت‌مدار و آگاهی از سازه‌های سازنده و برساننده و سازوکارهای مقتضی است. در این مقاله، زمینه‌ها، ضرورت‌ها، راهکارها و استلزامات جهت‌گیری دانشگاه در راستای توسعه کارآفرینی، بسان یک رفتار نهادی، مورد بررسی قرار گرفته است.

نقش‌آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی: ضرورت‌ها، مفاهیم و رویکردها

ریشه‌واژه دانشگاه را به قرون وسطی نسبت می‌دهند و مربوط به مؤسسه‌ای بود که بدان عنوان‌های Schol-arium Parisiensium و Universitas Magistrorum (۱۲۱۵ م.) اطلاق می‌شد که بعداً به سوربن معروف شد. به‌دنبال آن، دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج انگلستان در ۱۲۸۴ م. و هیدلبرگ ۱۳۸۶ م.، کولین ۱۳۸۸ و توینینگ در ۱۴۷۷ در ایالات مختلف آلمان ایجاد شدند. به‌دنبال جنگ جهانی دوم، موج عظیمی از متفکران کشورهای اروپایی برای فرار از نازیسم به آمریکا مهاجرت کردند و

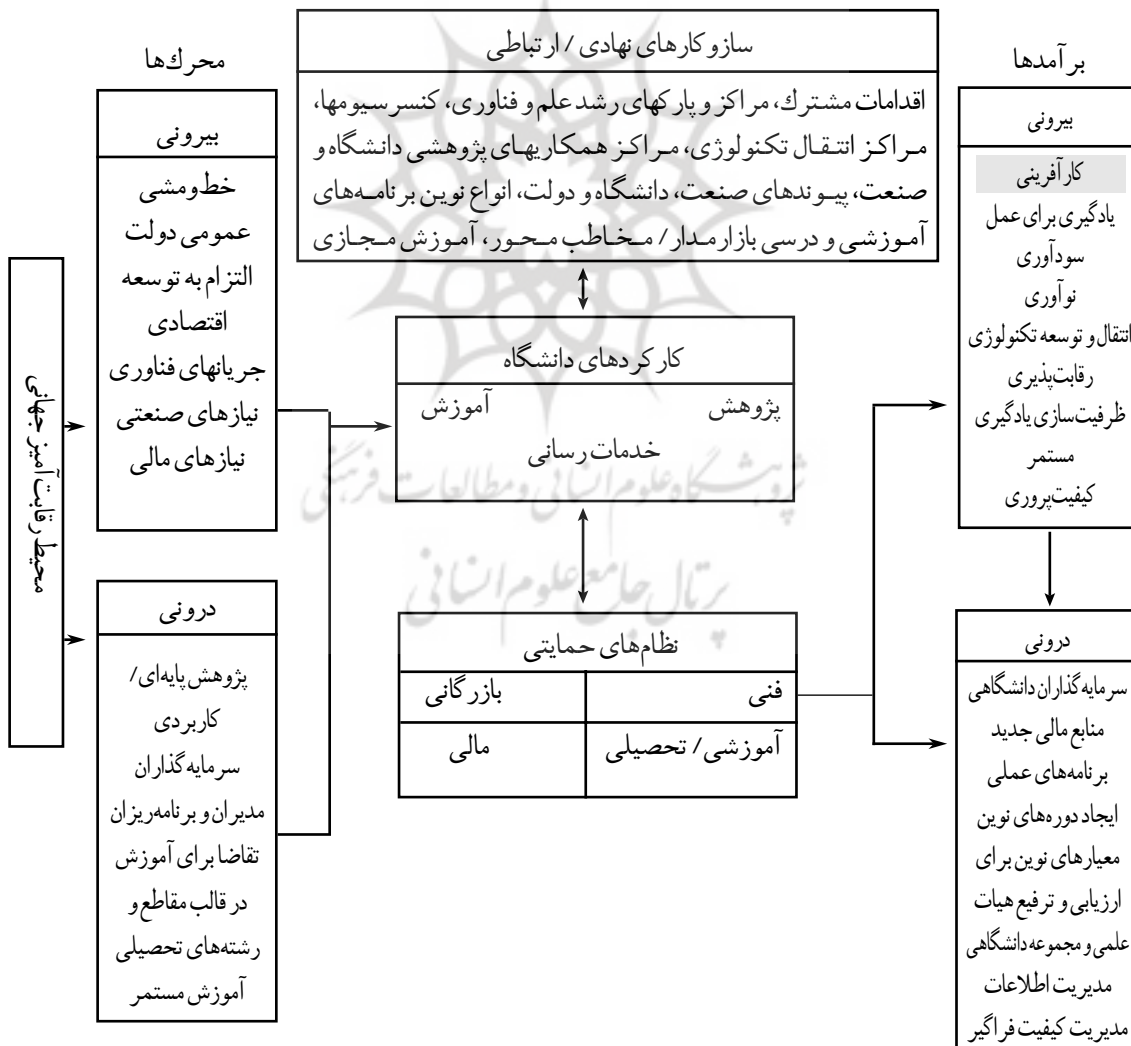
ملی، به نوعی تحول نهادی انقلاب‌گونه در کل اهداف و فرآیندهای دانشگاهی نیاز است تا این نهاد، شایسته‌وارانه، وظیفه خویش را که ارتقای فرزاندگی و بالندگی ملی است و نه کانالیزه کردن صرف دانش، به انجام رساند. اسمیلر و همکاران (۱۹۹۲) بر این باورند که نیروهای محیط بس رقابت‌آمیز جهانی ایجاب می‌کند نسبت به ارزیابی دوباره نقش دانشگاه مبادرت ورزیده شود و از تمرکز بر دیدمان سنتی منتصف با آرایه‌هایی همچون تمایل به کسب اعتبار آکادمیک، تکیه بر منابع مالی دولتی، تأکید بر پژوهش‌های بنیادین، در راستای رسیدن به دانش منتج از پیشرفت در پژوهش‌های بنیادین، تربیت دانشجویان تحصیل‌کرده برای جامعه، شناسایی حرفه‌ای و نهادین دانشگاه، برخاسته از کارکرد خدمات‌رسانی فرادانشگاهی یا برون‌رسانی به‌عنوان امتداد طبیعی نقش‌های پژوهشی و آموزشی دانشگاه، به سامان‌دهی و هدایت دیدمان در حال ظهور دانشگاه تغییر رویکرد داده شود. در دیدمان در حال پیدایش دانشگاه سرمایه‌گذار، یادگیرنده / یاددهنده و کارآفرین، مجموعه نوینی از نیروهای بیرونی و درونی (تغییرات خطی‌مشی عمومی دولت، نهادهای دولتی، تکنولوژی‌های پیچیده، برنده و انقلابی نیازمند سرمایه‌گذاری چندجانبه، نیازهای نیروی انسانی و تکنولوژیکی بخش‌های اقتصادی، نیازهای چندجانبه و پیچیده پژوهش بنیادین و تکنولوژی در حال پیدایش، تحول تقاضاها برای برنامه‌های آموزشی و تغییر برنامه درسی، انتظارات دانشجویان / هیأت علمی، پاسخگویی به تقاضا برای آموزش مستمر با هدف پیشرفت فنی، حرفه‌ای و شخصی) به ساختارهای ارتباطی و نظام‌های حمایتی می‌انجامند که رسالت پژوهشی، آموزشی و خدمات‌رسانی دانشگاه را تغییر می‌دهند. تأثیرگذاری محرک‌های مزبور بر مأموریت‌های سنتی دانشگاه در مورد پژوهش، آموزش و خدمات‌رسانی، تفاوت عملکرد، گستره، سازوکارها و ساختارهای مالی و تشویقی را در دیدمان در حال ظهور باعث می‌شوند.

همانطور که از نگاره (۱) برمی‌آید، دانشگاه کارآفرینی و مشارکت نهادمند دانشگاه در توسعه کارآفرینی یکی از رویکردها یا آرایه‌های دیدمان در حال ظهور برای توسعه دانشگاهی است. در کنار این آرایه، توجه به پژوهش‌های

۵. مواجهه دانشگاه‌ها با تحولات فرصت‌محوری و جامعه اطلاعاتی (از دهه ۹۰ و هنوز ادامه دارد).
در حال حاضر، بروز تحولات انقلاب گونه در عرصه‌های فناوری (اطلاعات و ارتباطات، نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی) نهادی و اقتصادی (جهانی شدن، رقابتی تر شدن، خصوصی سازی، دانایی محوری و توسعه کار آفرینی و...)، سبب‌ساز رویایی نهاد دانشگاه با یک سری چالش‌های اساسی شده است. تحولات انقلاب گونه معاصر از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های هم‌افزایانه قابل ملاحظه‌ای جهت رشد اقتصادی و بالندگی همه‌جانبه در سطوح مختلف برخوردارند (داریانی، ۱۳۸۲؛ مختاری

مبنای همبولدی (هامبولتی) دانشگاه‌های آمریکارا - اولویت تحقیق بر آموزش - تقویت نمودند (یمینی، ۱۳۸۲). دانشگاه‌های دنیا در طی دهه‌های اخیر دوره‌های مختلفی را پشت سر گذرانیده‌اند (فرستخواه، ۱۳۸۳):
۱- دانشگاه‌های نخبه‌پرور (تا نیمه سده ۲۰ میلادی)؛
۲- مواجهه دانشگاه‌ها با تقاضای انبوه اجتماعی (از دهه ۵۰ میلادی)؛
۳- مواجهه دانشگاه‌ها با جنبش‌های اجتماعی (دهه ۶۰ میلادی)؛
۴- مواجهه دانشگاه‌ها با مقتضیات بازار، صنعت و دنیای کسب و کار (از دهه ۷۰ میلادی)؛

نگاره (۱) دیدمان در حال پیدایش دانشگاه (اقتباسی توام با تعدیل از اسمیلر و همکاران، ۱۹۹۲)



دارد. آموزش دانش افزایانه، مهارت آموزی تخصصی- ادراری با رویکرد توسعه کسب و کار و توانمندسازی کارآفرینانه از این جمله‌اند (داریانی، ۱۳۸۲). زهو و از کووینتز (Zhou, C. and H. Etzkowitz, 2004) چند آرایه زیر را برای دانشگاه کارآفرین بر شمرده‌اند:

- حمایت برنامه‌ریزی شده و سامان‌مند از فعالیت‌های کارآفرینی

- طراحی و توسعه ساختارهای نهادمند نظیر دفتر انتقال فناوری، ارتباط با صنعت، مراکز رشد دانشگاهی، راه‌اندازی بنگاه و کسب و کار از سوی دانشگاه، مشارکت در پارک‌های علم و فناوری و غیره در حمایت از کارآفرینی

- تلفیق رویکردهای کارآفرینانه در تمامی کارکردهای دانشگاه (آموزش، پژوهش، خدمات اجتماعی و ترویجی دانشگاهی و سیستم گردانش و مدیریت امور)

- جذب افراد کارآفرین و حمایت از کارآفرینی

کنشگران امر، اعم از دانشجو، اعضای هیأت علمی، مدیران و غیره.

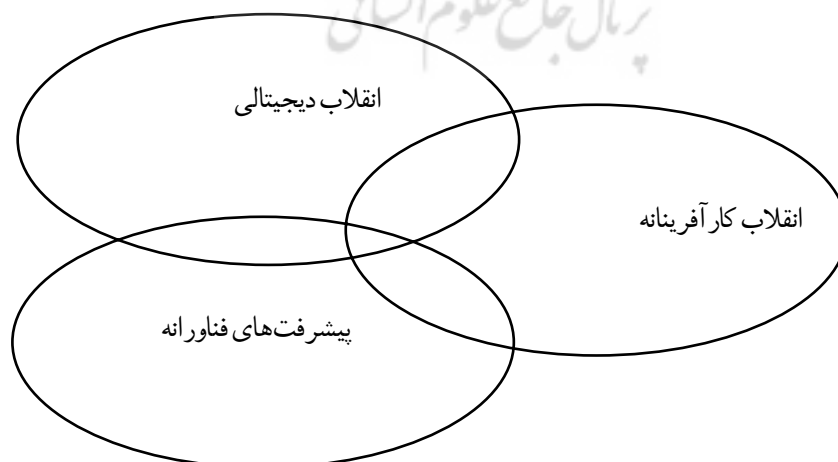
در این بین لازم توجه است که صرف پرداختن به فعالیت‌های کارآفرینی نمی‌تواند نمایای دانشگاه کارآفرین باشد. در عوض، آرایه سوم بیشتر نمودگار چنین دانشگاهی است. اما برای اینکه دانشگاه در نقش نهاد کارآفرین ظاهر شود، به نظر می‌رسد می‌بایست تمامی آرایه‌ها را داشته باشد.

روپک (Röpke, J., 1998) سه برداشت خویش را از

اسکی، (۱۳۸۴). برای نمونه می‌توان از فرصت‌های حاصل از رشد فناوری برای ساماندهی کسب و کارهای کارآفرینانه بهره گرفت و از تسهیلات شبکه‌ای حاصل از رشد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان مظاهر تبلور یافته انقلاب دیجیتال برای توسعه کسب و کارهای شکل گرفته در سطح اقتصاد مقیاس بهره گرفت (نگاره ۲).

با بررسی دستاوردها و پیامدهای حاصل از پیشرفت‌های بر شمرده شده می‌توان بیان داشت که توسعه و تلفیق نوآوری و فناوری جهت بهره‌گیری از فرصت‌ها و مزیت‌های نسبی و دستیابی به ارزش افزوده بیشتر از رهگذر رقابت پویا در محیط رقابت آمیز کنونی جهت دستیابی به توسعه پایدار نیازمند جهت‌گیری کنشگران امر، از جمله دانشگاه در راستای توسعه کارآفرینی می‌باشد. در ارتباط با نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی مفاهیم و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. اودرش و همکاران (Audretsch, et al., 2006) با طرح این پرسش که آیا اقتصاد کارآفرین نیازمند دانشگاه کارآفرین است؟ دانشگاه کارآفرین و کارآفرینی دانشگاه‌ها را از ملزومات اقتصاد کارآفرین بر شمرده‌اند. با توجه به اهمیت و ضرورت امر، آموزش معطوف به کارآفرینی در دانشگاه‌های کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه رو به افزایش است (آراسته، ۱۳۸۲). در این راستا مسیرهای مختلفی برای سیر دانشگاه در راستای کارآفرینی وجود

نگاره (۲) ارزش‌زایی هم‌افزایانه تحولات انقلاب گونه معاصر (اقتباس از داریانی، ۱۳۸۲)



دانشگاه کار آفرین تحت عنوان دانشگاه بسان يك سازمان کار آفرین و نقش آفرین نو آور، دانش زادر توسعه منطقه ای در پرتو اقتصاد جهانی به شرح زیر بر شمرده است:

- خود دانشگاه به عنوان يك سازمان، کار آفرین می شود. این برداشت، بیشتر با مفهوم کار آفرینی سازمانی همخوانی است.

- کنشگران دانشگاه (دانشجو، هیأت علمی، کارکنان) در نقش کار آفرین ظاهر می شوند. در این صورت، افراد مزبور بسان کار آفرینان مستقل می توانند عمل نمایند و وظیفه دانشگاه، تسهیل کار آفرینی است.

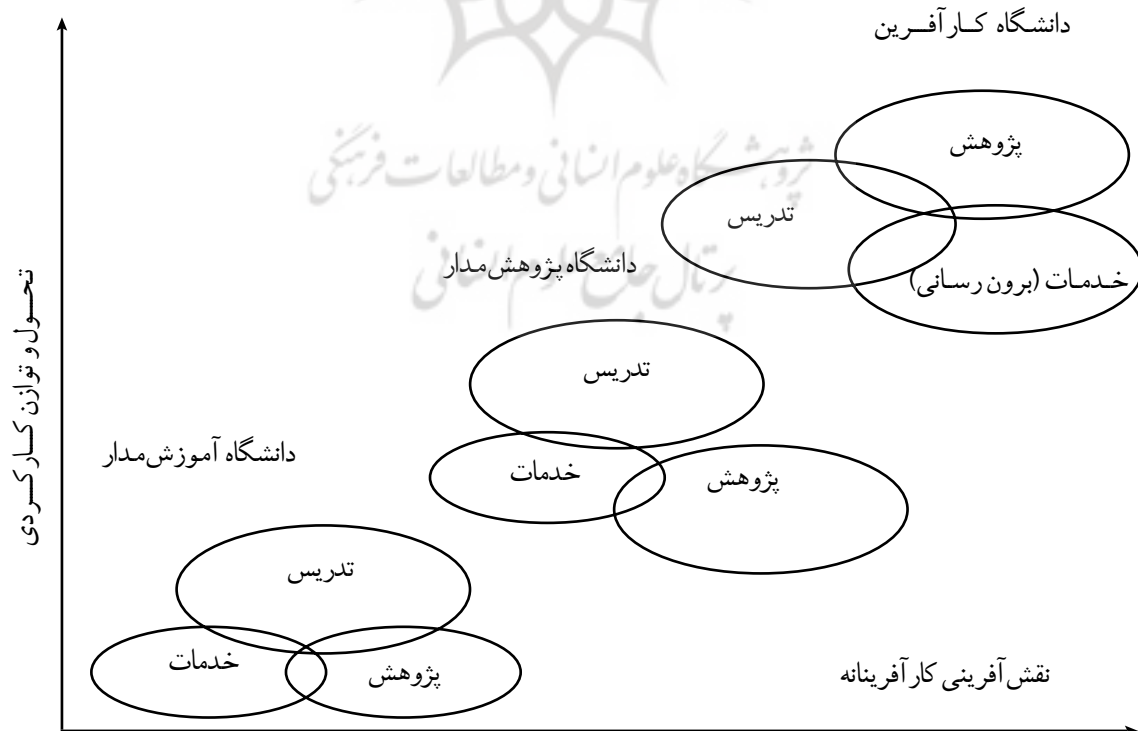
- کنش و برهمکنش دانشگاه با محیط دارای جهت گیری توسعه کار آفرینی است. این برداشت با درگیری کار آفرینانه دانشگاه در پرتو کارکرد خدمات اجتماعی یا برون رسانی دانشگاهی همسو است و جایگاه دانشگاه را بسان يك کار آفرین اجتماعی متبلور می سازد.

با توجه به تکثر دیدگاه ها و تنوع ابعاد و مؤلفه ها، رویکردهای مختلفی را می توان در تحلیل و تبیین کار آفرینی مورد توجه قرار داد. در ادامه برخی از این

رویکردها مورد بررسی قرار گرفته اند.

رویکرد ایجادایی فرصت مدارانه: در باب ضرورت و اهمیت نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کار آفرینی می توان بیان داشت که پرورش نیروهای کار آفرین و دانش آموختگان توانمند یکی از رسالت های محوری دانشگاه است. با اینحال، نقش آفرینی دانشگاه در توسعه کار آفرینی تنها محدود به کارکرد پرورش کار آفرینانه دانش آموختگان نیست. (دانشگاه کار آفرینانه یا کار آفرین پرور بر مبنای تلفیق کار آفرینی در نظام آموزشی)، بلکه انتظار می رود دانشگاه ها بر روی پیوستار توسعه کار آفرینی در جایگاه مدیریت کار آفرینی در سطح جامعه در زیربخش های مختلف اقتصادی ایفای نقش نمایند. رویکرد دوم به مراتب از رویکرد نخست که مصداق دانشگاه کار آفرینانه در شمایل کار آفرینی تشکیلاتی و سازمانی، گسترده تر و تأثیر گذار تر است و با الگوی دانشگاه کار آفرین در شمایل کار آفرینی اجتماعی همساز است. نقش آفرینی مورد انتظار، به دلایل زیر، حایز اهمیت است:

نگاره (۳) سیر تطور کارکردی دانشگاه (اقتباسی توأم با تعدیل از: Zhou and Etzkowitz ۲۰۰۶)



آموزش عالی از طریق مهیاسازی بستر کارآفرینی برای دانش‌آموختگان توانمند

- پرورش ایده‌های کارآفرینانه در راستای رشد و نمو کسب و کارها جهت ثروت‌زایی، ارزش‌زایی، بهره‌گیری از فرصت‌ها و مزیت‌های نسبی و تلفیق نوآوری‌ها و فناوری‌ها در راستای پویایی اقتصادی

- کانالیزه کردن سرمایه‌های سرگردان و هدایت جریان‌های سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای مولد و کارآفرین

- جلوگیری از فرسایش کسب و کارهای کارآفرینانه در پرتو تسهیلگری‌های مستمر و فرآیندمدار در ابعاد مشاوره‌ای، مالی، نهادی و غیره

- ترویج فرهنگ کارآفرینی در سطح جامعه از طریق معرفی و ارج نهی به کارآفرینان برتر بسان قهرمانان ملی

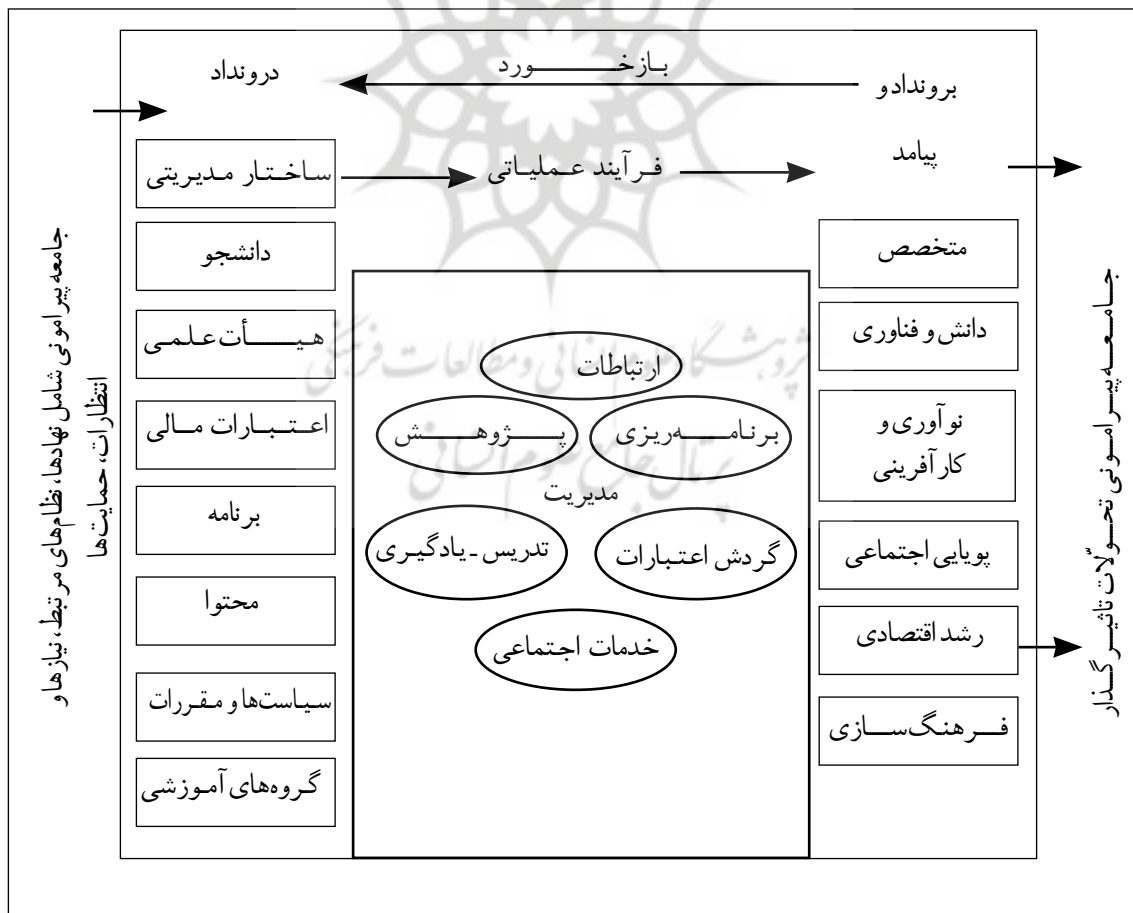
- ارتقای جایگاه دانشگاه در مقام یک نهاد کنشگر اجتماعی، نقش‌آفرین، هنجارساز و پیشرو و بهبود پیوندهای دانشگاه با جامعه در راستای پاسخگویی و تعهد نهادی در قبال توسعه ملی و گذر از الگوی نهادی ناکارآمد نقش‌پذیر، پیرو و هنجارپذیر، منفعل و جزیره‌مانند برخاسته از سنت منسوخ برج عاج‌نشینی دانشگاهیان

- جذب ایده‌ها و جلوگیری از هزروزی و فرسایش ایده‌های کارآفرینانه بسان نمودگارهای ارزشمند سرمایه فکری در جامعه و تلاش برای مدیریت مالکیت معنوی ایده‌ها و نوآوری‌ها

- ساماندهی و هدایت ایده‌های کارآفرینانه در راستای بهره‌گیری بهره‌ورانه از فرصت‌ها و مزیت‌ها جهت دستیابی به توسعه پایدار ملی

- به سرانجام رساندن موفقیت‌آمیز دستاوردهای نظام

نگاره (ع): پنداره سیستمی دانشگاه و آموزش عالی (اقتباس از سلطانی، ۱۳۷۶)



اقتصادی-اجتماعی

رویکرد دستاوردی: صاحب نظران مختلف، بسته به رویکرد مورد نظر، دستاوردهای متعددی را برای کار آفرینی بر شمرده‌اند. موسوی مشهدی (۱۳۸۲) بر پایه باور داشت نقش کار آفرینی در توسعه صنعتی و اقتصادی، افزایش نوآوری، ارتقای سطح فناوری، افزایش تعداد ثبت اختراعات و ابداعات، تولید دانش فنی، ایجاد اشتغال، راه اندازی و توسعه ظرفیت کسب و کارهای خرد و متوسط، تولید و توزیع درآمد در سطح جامعه و در نتیجه، افزایش ثروت ملی را از مهمترین آثار توسعه کار آفرینی بر شمرده‌اند. هرچه باشد، کار آفرینی در کاهش بیکاری، خصوصاً بیکاری دانش آموختگان، افزایش بهره‌وری و کارایی و توسعه منابع انسانی بهرمانی قابل ملاحظه دارد (آراسته، ۱۳۸۲). ایجاد اشتغال و تحقق رفاه (توسعه اجتماعی) از جمله دستاوردهای قابل ملاحظه کار آفرینی است که توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان را به خود جلب می‌نماید (داربانی، ۱۳۸۲). بطور کلی، در آمدزایی و تولید ثروت، نوآوری (تولید و عرضه کالا و خدمات جدید) و توسعه دانش و فناوری، رشد پویای اقتصادی، تغییر و تحول سازنده اجتماعی، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی، و مواردی از این دست (Morris, M., 2006)، از جمله برآمدها و پیامدهای مورد انتظار مشارکت نهاد دانشگاه و نظام آموزشی در توسعه و مدیریت کار آفرینی در فرآیند بالندگی پایدار ملی، به شمار می‌رود.

به لحاظ ماهیتی، برخی از موارد بر شمرده شده، نظیر راه اندازی کسب و کار، در آمدزایی، نوآوری و اشتغال مولد را می‌توان دستاوردهای کار آفرینی نامید. این دستاوردها، نتایج بلافاصله فرآیند کار آفرینی به شمار می‌روند و منافع آنها بیشتر نصیب خود کار آفرینان می‌شود. در حالیکه برخی از موارد، نظیر تولید ثروت، رشد اقتصادی، توسعه رفاه و عدالت اجتماعی، پیامدهای کار آفرینی محسوب

می‌شوند. پیامدهای کار آفرینی از هم افزایی و انباشت دستاوردهای کار آفرینی در سطح وسیع تر حاصل شده و منافع حاصله به کل جامعه بر می‌گردد و دستیابی به آنها تا حدی زمان بر بوده و نیازمند فراهم بودن بستر و مؤلفه‌های مکمل است. دستیابی به دستاوردهای بر شمرده شده و بروز پیامدهای مورد انتظار از رهگذر فرآیندهای پویا و چندکنشگرانه ممکن می‌شود و دانشگاه تنها یکی از مجموعه کنشگران بهرمان دار در شبکه سامان دهنده فرایند مزبور به شمار می‌رود. در این صورت نیاز است کنش و برهمکنش‌های هماهنگ و هم‌افزایانه بین دانشگاه و سایر کنشگران شبکه شکل گیرد و بستر و فضای سیاسی و سیاستی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حمایتی و نهادی لازم مهیا باشد تا بتوان بهره‌وری و بازده مطلوب را از کنشگری دانشگاه در فرآیند توسعه کار آفرینی انتظار داشت.

رویکرد کار کردی: به لحاظ کار کردی، بانک جهانی (۱۹۹۵) دانشگاه‌ها را واحدهای تولیدی چند ستاده‌ای معرفی می‌کند که محصول آنها آموزش، پژوهش و خدمات عمومی و دیگر فعالیت‌های اجتماعی می‌داند (ساحتی، ۱۳۸۲ به نقل از گری، ۱۹۹۹). تولید دانش (پژوهش)؛ انتقال دانش (آموزش)؛ و اشاعه و نشر دانش (خدمات)؛ سه کارکرد مجموعه‌های دانشگاهی یا نظام آموزش عالی امروزی به شمار می‌روند. آموزش عالی و بطور مشخص، دانشگاه‌ها از طریق خدمات آموزشی و پژوهشی به جامعه خویش ارایه خدمت می‌کند. اما این نهاد، علاوه بر دو کارکرد یاد شده، از طریق کارکرد خدمات برون‌رسانی به جامعه غیر دانشجوی نیز، ارایه خدمت می‌کند. لازم به ذکر است که در مورد این کارکرد، یعنی ارایه خدمات مستقیم دانشگاه‌ها به اجتماعات برای مدت‌ها از سوی مؤسسات آموزش عالی سنتی بویژه دانشگاه‌های اروپا، مورد توجه و مد نظر نبود تا این که در

نگاره (۵) پیوستار نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کار آفرینی

فعالیت‌های کار آفرینانه از سوی دانشگاه

دانشگاه کار آفرین

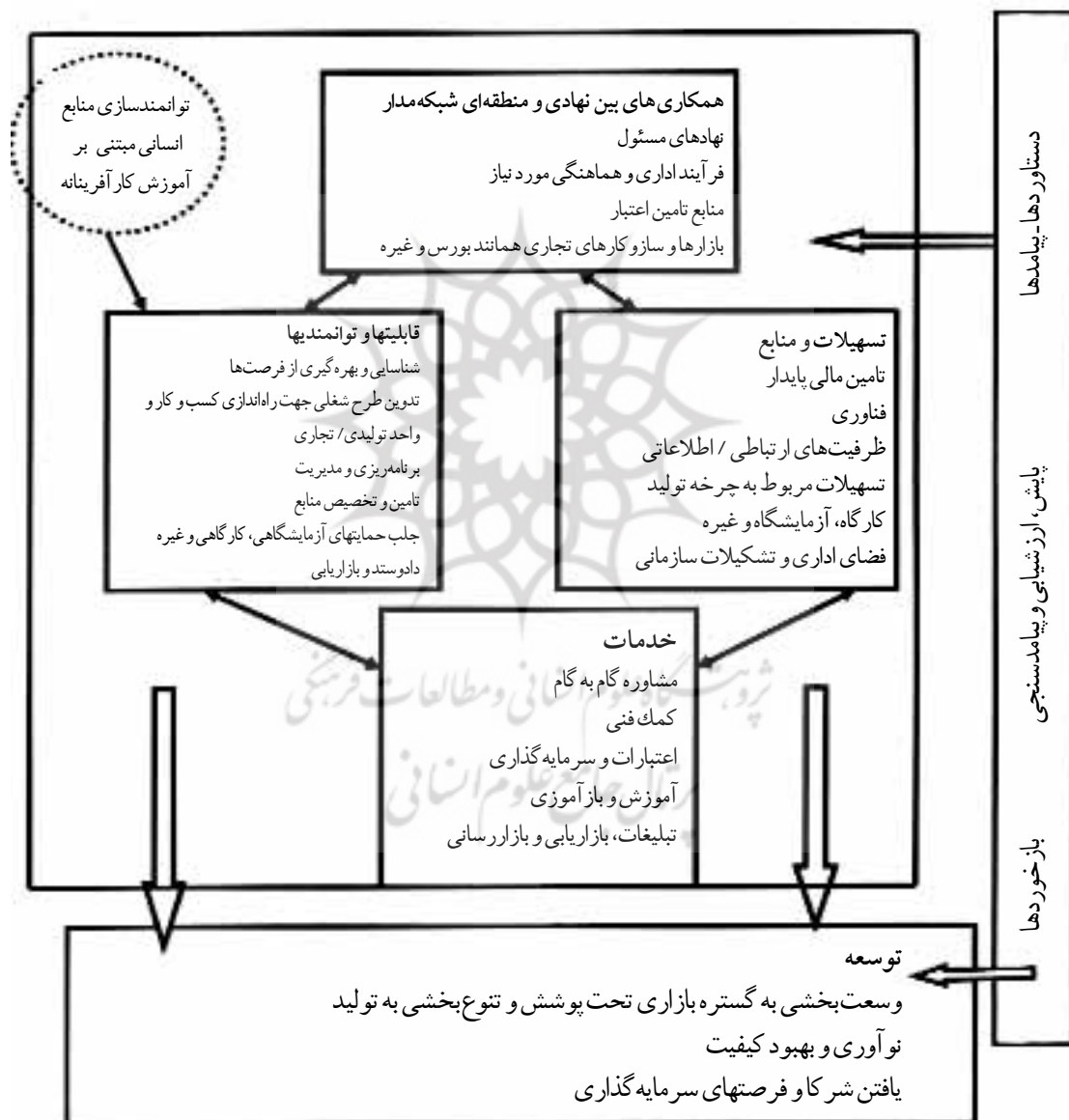
کار آفرینی دانشگاه



نقد و بررسی های زیادی در بین دانشگاهیان وجود دارد (Van Den Hoogen, 1989). در واقع، این دانشگاهها (کالجها) با هدف خدمت به جامعه به عنوان يك کارکرد نظام آموزشی عالی آمریکا ایجاد شده اند. البته، هنوز در تعریف و توافق در مورد اینکه ترویج یا خدمات به عنوان يك کارکرد رسمی دانشگاه به شمار آید، مشکلاتی وجود

قرن نوزدهم آمریکا با ایجاد مؤسساتی با عنوان کالج های لندگرانت بنیاد آموزش عالی مبتنی بر اجتماع را پایه ریزی نمود. ولی این سنت و نوآوری دانشگاه های آمریکای شمالی، یعنی ارائه خدمات دانشگاهی به جامعه، باعث ترغیب دانشگاه های اروپا برای بهره مندی مستقیم اجتماعات از دانشگاه را موجب شده است و در این زمینه

نگاره (۶) سازه ها و مولفه های برساننده فرآیند توسعه کارآفرینی*



* برگرفته و اقتباس از:

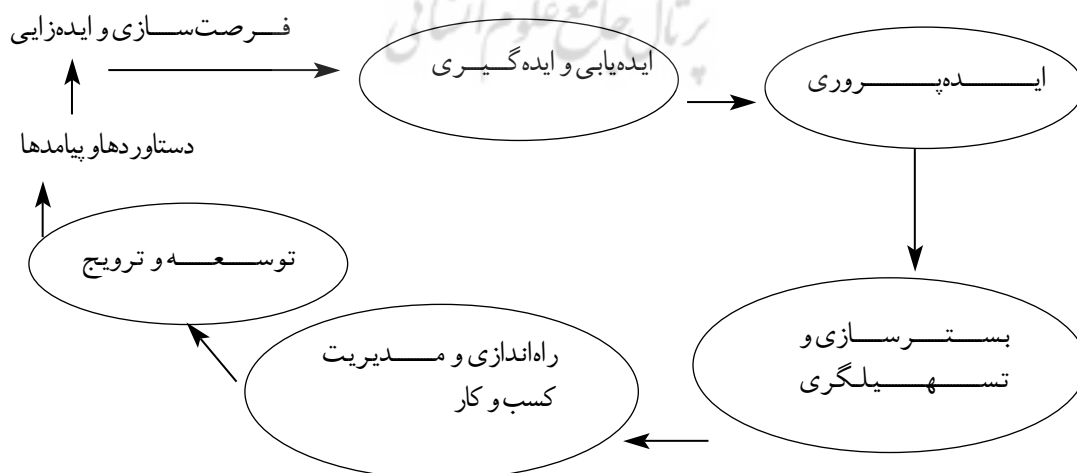
دارد. نقش خدمات برون‌رسانی دانشگاه از این برمی‌خیزد که دانشگاه‌ها به‌عنوان یک منبع مرتبط و شایسته در دانش در جریان مواجهه با مسایل اجتماعی هستند (Bonnen, 1998). دانشگاه‌های پویا در قرن بیست‌ویکم دانشگاه‌هایی هستند که کار آفرین بوده و بتوانند ارزش‌های تخصصی و مدیریتی را بپروراند و تلفیق نمایند. از دیگر آرایه‌های چنین دانشگاه‌هایی می‌توان به سیر راهبردی و هدفمند، ایجاد توازن بین پژوهش، آموزش و خدمات اجتماعی، تنوع بخشی به منابع تأمین مالی جهت بودجه‌بندی باثبات و پایداری مالی و نهادی اشاره نمود (آراسته به نقل از کلارک، ۱۳۸۲). از بین آرایه‌های مزبور، توازن کارکردی دانشگاه در فرآیند نقش آفرینی در توسعه کار آفرینی جای بحث دارد.

نقش آفرینی دانشگاه در توسعه کار آفرینی می‌تواند گونه‌های کارکردی مختلفی را به خود گیرد، به نحوی که می‌توان چنین نقش آفرینی‌ای را بر روی یک پیوستار، از فعالیت‌های کار آفرینی دانشگاه (از محل آرایه خدمات جهت توسعه کار آفرینی) تا دانشگاه کار آفرین (تلفیق کار آفرینی در کارکردهای آموزش یا تدریس بر مبنای راهبردهای تدریس- یادگیری، پژوهش و خدمات دانشگاهی) و نیز دانشگاه بسان کار آفرین یا کار آفرینی دانشگاه ترسیم نمود. این مقوله در رویکرد سیستم فرآیندی تشریح شده است

رویکرد فرآیند سیستمی: دانشگاه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی مولد اندیشه، به واسطه پیوند تنگاتنگی که با سایر سیستم‌های پیرامونی دارد، به مثابه یک سیستم باز عمل می‌نماید و در عین حال خود به‌عنوان یک سیستم، دارای زیرسیستم‌ها و مولفه‌های شاکله‌ای است که به صورتی هم‌افزایانه و پویا در کنش و برهم کنش مستمر بسر می‌برند (نگاره ۴).

با توجه به برخورداری دانشگاه از چنین دستگاه آرایه و شناسه‌ای، مدیریت و گردش امور، اعمال تغییرات سازنده در نتیجه رویارویی با چالش‌های پیش‌ارو، نیازمند رویکرد سیستمی و فرآیندمدار است. در راستای جهت‌دهی دانشگاه در مسیر توسعه کار آفرینی نیاز است که ملزومات مربوط به مؤلفه‌های مختلف شاکله نظام دانشگاه و پیوندهای بینابینی آنها شناسایی شود و در مورد هر کدام از مؤلفه‌ها، سازوکارهای مقتضی در دستور کار قرار گیرد. از لحاظ فرآیندی نیز می‌بایست استلزامات جهت‌گیری کار آفرینانه در چرخه پیوستار گونه گردش سیستم دانشگاه بر مبنای هم‌وابستگی پویای حلقه‌های شاکله، شامل درون‌داد، فرآیند، برون‌داد (دستاورد)، پیامد و بازخورد در نظر

نگاره (۷) چرخه کارکردی نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کار آفرینی



پیاده‌سازی سازوکارهای بر شمرده شده، تلفیق کار آفرینی در تار و پود سامانه دانشگاه شده و در نتیجه، تعالی جایگاه دانشگاه بر روی پیوستار توسعه کار آفرینی، از پرداختن به فعالیت‌های کار آفرینانه تا ایفای نقش کار آفرین از سوی دانشگاه یا کار آفرینی دانشگاه، را در پی خواهد داشت (نگاره ۵).

استلزامات نقش آفرینی دانشگاه در توسعه کار آفرینی

بیشتر اشاره شد که کار آفرینی یک رفتار و پدیده پویا است که پدیدار گشتن آن نیازمند هموار بودن زمینه و بستر است. همچنین به ثمر نشستن آن متأثر از سازه‌های بر سازنده است. بواقع، توسعه کار آفرینی یک رفتار تکامل‌یافته است. هر چه باشد، توسعه کار آفرینی در خلأ صورت نمی‌گیرد، بلکه نیازمند ساختار سازی و پیگیری برنامه‌مند کارکردهای حمایتی و فراهم بودن زمینه‌های مساعد است (Reynolds, et al., 2004). دسترسی به خدمات مورد نیاز، تسهیلات و منابع اعتباری، و هماهنگی و همکاری منسجم بین نهاد های مربوطه، فارغ از دیوانسالاری ناکارآمد، از یک سو و توانمندسازی کار آفرینان در قالب شبکه‌های کار آفرینی در بخش‌ها و زیربخش‌های مختلف از جمله ملزومات توسعه کار آفرینی به‌شمار می‌رود (Armstrong, p., 2005; Kreft, Steven F., and Russell S. Sobel., 2005) مورد دیگری که در این راستا قابل ملاحظه است، همانا پرورش بنیه و قابلیت کار آفرینی است که در مؤلفه خبرگی و مهارت تبیین شده است (نگاره ۶). در این راستا، دو بُعد بهم پیوسته و دیالکتیک‌وار را می‌توان برای توسعه کار آفرینی بر شمرد. بواقع، توسعه کار آفرینی از دیالکتیک این دو بُعد حاصل می‌شود. یک بُعد، متوجه آموزش و پرورش کار آفرینی است که تبلور پرورش قابلیت‌های حرفه‌ای کار آفرینانه یا توسعه منابع انسانی با رویکرد کار آفرینانه است و بُعد دیگر، از فراهم بودن زمینه و تسهیلگری برای بالفعل سازی قابلیت‌های کار آفرینانه یا توانمندسازی و ظرفیت‌سازی کار آفرینانه حکایت می‌نماید. هر دو بُعد حایز اهمیت می‌باشند. چرا که

گرفته شود. پیش از این، در مبحث رویکرد دستاوردی، در مورد دستاوردها و پیامدهای نقش آفرینی دانشگاه در فرایند توسعه کار آفرینی بحث به میان آمد. همچنین، در مبحث رویکرد کارکردی، تا حدی الزامات جهت‌گیری کار آفرینانه دانشگاه در بُعد فرآیندی بر شمرده شد. تلفیق کار آفرینی در نظام آموزشی، جهت‌گیری کار آفرینانه در پژوهش‌های دانشگاهی و یا مشارکت دانشگاه در فرآیند توسعه فناوری با رویکرد کار آفرینانه در قالب پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد دانشگاهی، و ارائه خدمات به جامعه جهت ترویج و تسهیل توسعه کار آفرینی، بهسازی ظرفیت‌های نهادی، کار بست الگوهای مدیریتی و ساخت ساختارهای مورد نیاز با هدف نقش آفرینی در فرآیند توسعه کار آفرینی از جمله الزامات مرتبط با حلقه فرآیندی به‌شمار می‌آیند. جذب اعتبارات و امکانات از دستگاه‌ها و منابع تأمین‌کننده در پرتو برقراری روابط نهادی تکثرگرا و شبکه‌مدار، پایش، ارزشیابی، پیامدسنجی و رسانش و کسب بازخوردهای لازم پیرامون تحولات تأثیرگذار و جریان تقاضاها برای دستاوردهای دانشگاه و فرصت‌های موجود، تدبیرگری راهبردی آینده‌نگر، کیفیت‌پروری و تلاش هدفمند برای ایفای نقش رهبری نهادی در فرآیند نهضت‌گونه توسعه کار آفرینی از جمله ملزومات رویکرد فرآیندمدار به نقش آفرینی سیستم دانشگاه در توسعه کار آفرینی به‌شمار می‌رود.

لازم به ذکر است که پیوند و ارتباطات حلقه‌های بر شمرده خطی نیست، بلکه چرخه‌ای، تعاملی و تکرارپذیر است. برای نمونه، پرورش دانش‌آموختگان کار آفرین از رهگذر تلفیق کار آفرینی در کارکرد آموزش و یا تسهیل راه‌اندازی کسب و کار از سوی کار آفرینان مستعد از طریق کارکرد خدمات اجتماعی دانشگاهی به نوآوری، فناوری و درآمدزایی، تولید ثروت و در نتیجه رشد اقتصادی خواهد انجامید و در نتیجه، امکان دسترسی دانشگاه به منابع مالی و اعتباری فراهم می‌شود. همچنین، بهبود کیفیت ستاده‌ها از جمله در شمایل دانش‌آموختگان کار آفرین، نوآوری، دانش و فناوری به تعالی اعتبار اجتماعی و نهادی دانشگاه و افزایش تقاضا برای ورود به دانشگاه و فرصت‌زایی بازمدارانه برای بهره‌گیری از خدمات دانشگاه خواهد انجامید.

در صورت بود قابلیت‌های کارآفرینانه در شمایل دانش‌آموختگان و نیروی کار ماهر و مبتکر (بعد نخست) و نبود زمینه‌ها و شرایط لازم (بعد دیگر)، هرزروی و فرسایش منابع انسانی کارآفرین و نیز اتلاف سرمایه‌گذاری نهادی صورت گرفته برای بالندگی سرمایه انسانی محتمل است.

دیدگاه سیستمی و کلیت‌گرایانه ایجاب می‌کند که سازه‌های سازنده و برساننده و بستر فرآیند توسعه کارآفرینی، ساختار و کارکرد نقش‌آفرینی دانشگاه در فرآیند مزبور و نیز سایر کنشگران نهادی درگیر در این فرآیند در سطوح و بخش‌های مختلف و پیوندهای بینابینی به حساب آید. با توجه به چندگانگی مؤلفه‌ها و تکثر کنشگران نهادی درگیر در فرآیند توسعه کارآفرینی، شبکه‌سازی در پرتو راهبرد ملی توسعه کارآفرینی جهت هدایت هم‌افزایانه و هماهنگ کارکردها، بسیج منابع و تسهیم منافع ضروری می‌نماید. در این بین دانشگاه می‌تواند و می‌بایست بسان نهاد پیشرو در مقام طراح و راهبر شبکه ملی کارآفرینی بر پایه جنبش‌های توسعه کارآفرینی ایفای نقش نماید. مراکز دانشگاهی در پیوند با سایر کنشگران و کارگزاران در سطوح و مناطق مختلف، گره‌ها و تارو بوته‌های مورد نیاز برای سامان یافتن یکپارچه شبکه مزبور را فراهم می‌آورند. ایفای چنین نقشی، نیازمند بهسازی ظرفیت‌های دانشگاهی و تدوین طرح راهبردی همچون نهضت کارآفرینی دانشگاهی برای کنشگری مؤثر و کارآمد دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی در پرتو شبکه مزبور می‌باشد. در ادامه تلاش شده است تا الگوی ساختاری نمایای مسیر نقش‌آفرینی مورد انتظار از دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی ترسیم شود.

نقشه راه نقش‌آفرینی نهادمند دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی

با توجه به ضرورت نقش‌آفرینی در جریان توسعه کارآفرینی، دانشگاه‌های تابعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازوکارهایی را در این زمینه اندیشیده است که از آن جمله می‌توان به حرکت در راستای طرح کارآدو راه‌اندازی مراکز کارآفرینی دانشگاهی اشاره نمود. نهادینه‌سازی کنشگری سامان‌مند دانشگاه‌ها نیازمند

ترسیم و تبیین الگوی نقش‌آفرینی کارآدو قالب این مراکز است. با توجه به مباحث صورت گرفته، می‌بایست افزود که نقش‌آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی در پرتو پیگیری هدفمند، هماهنگ و برنامه‌مند یکسری کارکردها و کارویژه‌ها به انجام می‌رسد. با توجه به پویایی و فرآیندمداری توسعه کارآفرینی، نقش‌آفرینی مزبور نیز در قالب یک فرآیند چرخه‌مانند و تکرارپذیر به انجام می‌رسد که به نوعی ترسیم‌کننده نقشه راه، روند گردش امور و توالی فعالیت‌های برنامه‌مند می‌باشد. بر این اساس، در نگاره (۷) الگوی کارکردی نمایای نقش‌آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی ترسیم شده است. بدیهی است که پیاده‌سازی این الگو و چرخه، نیازمند برآوردن استلزامات مربوطه است که در ادامه فهرست شده‌اند. لازم به ذکر است توسعه کارآفرینی یک فرآیند و بیوستار است، چرا که ایده‌ها و کارآفرینان بالقوه از محیط و جامعه به چرخه مزبور وارد می‌شوند و پس از پرورده شدن و پرورش یافتن و بالندگی، مجدداً پیامدها و دستاوردهای این چرخه به محیط پیرامونی، نهادها و نظام‌های مربوطه و جامعه برمی‌گردد. از جمله این پیامدها می‌توان به تولید ثروت، رفاه، پویایی اقتصادی، نوآوری و توسعه فناوری و در کل، پویایی اقتصادی-اجتماعی و بالندگی جامعه اشاره نمود. بدیهی است همانطور که پیشتر بیان شد، بالندگی جامعه سبب‌ساز فراهم شدن محیط یا گهواره‌ای می‌شود که در آن نطفه‌های جنینی کارآفرینی در قالب ایده‌ها و نوآوری‌ها شکل می‌گیرد و این نطفه‌ها به عنوان درونداد وارد چرخه پرورش کارآفرینی مستقر در مرکز کارآفرینی دانشگاه شده یا بواقع گهواره کارآفرینی می‌شوند و انتظار می‌رود که در این چرخه گهواره‌مانند، کارآفرین پرورده شود. با این حال رها کردن کارآفرینان پس از این مرحله همانند رها کردن کودک در یک محیط متلاطم است. بنابراین لازم است که حمایت‌ها و تسهیلگری‌های لازم برای رشد و نمو کارآفرینان و بلوغ آنها جهت دستیابی به دستاوردهای مورد انتظار و بروز پیامدهای برشمرده شده تداوم یابد.

بر پایه نگاره ترسیم شده، نقش‌آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی مستلزم کارکرد مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها است که از یک نظم چرخه‌ای پیروی می‌نمایند.

- دعوت از کارآفرینان موفق در جهت بهره‌گیری از آنها
 - تشکیل هسته‌های کارآفرینان موفق و شبکه‌سازی
 مبتنی بر پیوند هسته‌ها و سایر مراکز
 پیاده‌سازی طرح مزبور و تحقق کارویژه‌های مورد
 انتظار نیازمند فراهم بودن يك سری شرایط اداری- نهادی و
 نیز انجام هماهنگی‌های لازم است. عمده این ملزومات را
 می‌توان به قرار زیر برشمرد:
 - ساماندهی و تقویت مرکز کارآفرینی دانشگاه حول
 محورهای زیر:
 - تدوین چشم‌انداز، مأموریت‌ها و رسالت‌ها و
 کارکردهای مرکز
 - اعمال اصلاحات مورد نیاز و بهبود ساختار مراکز
 کارآفرینی دانشگاهی موجود
 - تلاش برای راه‌اندازی مراکز کارآفرینی در تمامی
 دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور
 - شناسایی و ارتباط با مخاطبان و گروه‌های هدف:
 دانشجویان، دانش‌آموختگان، تشکلهای سازمان‌های نوآور
 برخوردار از ایده، سرمایه‌گذاران علاقمند و ...
 - تأمین نیروی انسانی و تجهیزات مورد نیاز
 - راه‌اندازی پایگاه اینترنتی و نظام مدیریت اطلاعات
 کارآفرینی
 - شناسایی و برقراری ارتباط با نهادها و دستگاه‌های
 ذیربط
 - پیمایش مستمر فرصت‌های کارآفرینی
 (فرصت‌شناسی) در بخش‌های مختلف
 - اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی: تدوین نهضت
 رسانه‌ای در زمینه کارآفرینی
 - ارائه خدمات آموزشی و ترویجی و مشاوره‌ای در
 زمینه کارآفرینی به صاحبان ایده، کارآفرینان مستقل،
 سازمانی و اجتماعی و دستگاه‌ها و سازمان‌های متقاضی
 - تشکیل شبکه کارآفرینان و هسته‌های کارآفرینی در
 زیربخش‌های مختلف اقتصادی
 - ساماندهی کمیته‌های تخصصی مورد نیاز
 - زمینه‌یابی و تلاش برای تشکیل، بانک ایده، بورس
 ایده و صندوق ملی کارآفرینان
 - تلاش برای تهیه طرح مدیریت مالکیت معنوی
 ایده‌ها و تصویب آن در مراجع قانونی ذیصلاح

تحقق مؤلفه‌های مزبور مستلزم اجرای برنامه‌مند
 مجموعه‌ای از کارویژه‌ها است. در ادامه، کارویژه‌های
 مرتبط با هر مؤلفه فهرست شده است.
 ۱- ایده‌یابی و ایده‌گیری
 - اطلاع‌رسانی
 - شناسایی گروه‌های هدف: دانشجویان،
 دانش‌آموختگان و سایر افراد جامعه
 - فراخوان ایده بطور منظم و ادواری
 - مشاوره اولیه جهت تدوین شناسنامه ایده
 ۲- ایده‌پروری
 - تشکیل کمیته‌های تخصصی کارآفرینی
 - ارزیابی و پالایش ایده‌ها بر اساس معیارهای
 کارآفرینی و امکان‌پذیری
 - مشاوره جهت تدوین طرح کارآفرینی
 - ثبت و مستندسازی ایده‌های مناسب جهت مدیریت
 مالکیت معنوی ایده‌ها و تشکیل بانک ایده کارآفرینانه
 - آموزش و مهیاسازی ایده‌داران در زمینه تخصصی و
 راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار
 ۳- بستر سازی و تسهیلگری
 - فراخوان سرمایه‌گذاری مرتبط با ایده‌های
 کارآفرینانه: راه‌اندازی بورس ایده
 - شناسایی و دعوت از سرمایه‌گذاران و برقراری تعامل
 بین آنها و صاحبان ایده
 - معرفی صاحبان ایده به سازمان‌ها و دستگاه‌های
 اجرایی مربوطه
 - معرفی مشاور ناظر کارآفرینی
 ۴- راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار
 - پایش کسب و کارها و طرح‌های کارآفرینی
 - ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان
 - تحلیل قوتها، ضعف‌ها و فرصتها و تهدیدهای مرتبط
 با پیاده‌سازی ایده‌ها و کارآفرینی در عمل
 - شناسایی کارآفرینان موفق
 ۵- توسعه و ترویج
 - مستندسازی ایده‌ها و آموزه‌ها
 - نشر و اشاعه آموزه‌ها
 - شناسایی، معرفی، تدوین و ثبت شناسنامه کارآفرینی
 برای کارآفرینان موفق

نهادی اشاره نمود (آراسته، ۱۳۸۲). همچنین، نیاز است که کارگزاران دانشگاهی، به آینده‌نگری اقتصادی در تدوین راهبردها، تبیین رسالت‌ها و مأموریت‌ها با رویکرد تقاضامدارانه و بازارگرایانه، سرمایه‌گذاری در کیفیت، ظرفیت‌سازی نهادی برای گردش شایسته‌سالارانه امور بر مبنای کاربست الگوهای سازمانی نوآور، نظیر سازمان‌های یادگیرنده و مدیریت کیفیت فراگیر آموزشی، بر مبنای کاربست فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در شمایل دانشگاه مجازی و الکترونیکی، یادگیری الکترونیکی و غیره، تلفیق نوآوری‌ها و فناوری‌های آموزشی و شبکه‌سازی چند سطحی بر پایه طراحی و کاربست سازوکارهای پیوندی اهتمام ورزند تا پایداری نهادی پویای سیستم دانشگاه همساز با جریان نیروهای تحول‌زای تأثیرگذار ممکن شود. در بین آرایه‌ها و جهت‌گیری‌های برشمرده، نقش آفرینی مؤثر دانشگاه در فرآیند توسعه کار آفرینی در بخش‌های مختلف اقتصادی حایز اهمیت اساسی است. تحقق نقش آفرینی مورد انتظار از دانشگاه، بازتعریف رسالت‌ها و تدوین کارکردها، تعیین کارویژه‌ها و مهیاسازی استلزامات ساختاری-نهادی مورد نیاز را ایجاب می‌نماید. از یک منظر سیستمی و کلیت‌گرایانه، کار آفرینی یک پدیدار فرآیند گونه است که در رشد و نمو پیوستار گونه آن، از زایش ایده تارشد و توسعه، کنشگران متعددی درگیر می‌باشند. هرچند نیاز است که جهت تسهیل و توسعه کار آفرینی به شبکه‌سازی تکثرگرا جهت هماهنگ‌سازی کنشگری نهادهای ذیربط مبادرت شود، با این حال نقش دانشگاه در چنین شبکه‌ای می‌تواند و می‌بایست محوری باشد، به نحوی که دانشگاه بر اساس کارکردهای چندگانه، شامل آموزش، پژوهش و خدمات برون‌رسانی و اجتماعی دانشگاهی، نقش پیشرو، تسهیل‌گر، مدیر و هماهنگ‌ساز فرآیند توسعه کار آفرینی را ایفا نماید. ایفای چنین نقشی، استلزامات ساختاری و کارکردی خاص خود را در پی دارد. از بُعد کارکردی می‌توان به تلفیق کار آفرینی در نظام آموزشی و یا به عبارت دیگر، آموزش کار آفرینانه، تحقیق، توسعه و فناوری کار آفرینانه و ترویج و خدمات دانشگاهی با رویکرد کار آفرینی در سطح جامعه با تمرکز بر نقش تسهیلگرانه اشاره نمود. از بُعد ساختاری و نهادی نیز می‌توان به راه‌اندازی واحدهای نهادی و تشکیلاتی، بازتعریف سیاستها و گسترش سازوکارهای پیوند شبکه‌مند با نهادها

- اولویت‌گذاری و هدایت تحقیقات کار آفرینی با تأکید بر مطالعات زمینه‌یابی، پیش و ارزشیابی و پیامدسنجی - معرفی و شناساندن طرح و اطلاع‌رسانی عمومی پیرامون اهمیت، فرآیند و دستاوردهای مربوطه جهت جلب حمایت‌های نهادی و عمومی - گسترش همکاری‌های نهادمند با سایر سازمان‌ها، دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها و تلاش جهت ضابطه‌مند نمودن این همکاری‌ها از طریق راه‌اندازی دفاتر همکاری‌های کار آفرینانه دانشگاهی در دستگاه‌ها و سازمان‌های مزبور با اختیارات قانونی و منابع مورد نیاز - قانونمندی‌سازی و ضابطه‌مند نمودن اقدامات، تلاش‌ها و همکاری‌ها از طریق تلاش برای تهیه و تصویب لایحه آیین‌نامه‌ای در مراجع قانونی ذیصلاح در هیأت دولت و مجلس شورای اسلامی در خصوص ملزم بودن دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها به انجام همکاری‌های مزبور، تأسیس واحدهای برشمرده شده و تأمین اعتبارات مورد نیاز جهت سرمایه‌گذاری کار آفرینانه در قالب تخصیص منظم درصدی از اعتبارات و بودجه‌های مربوطه به پیاده‌سازی ایده‌های کار آفرینانه معرفی شده از سوی مرکز کار آفرینی - تصویب بهره‌گیری مرکز کار آفرینی از بخشی از بودجه‌ها و اعتبارات تخصیص یافته جهت تأمین مالی و خوداتکایی در گردش امور - شبکه‌سازی: برقراری پیوند بین مراکز کار آفرینی دانشگاهی، پارک‌های علم و فناوری و مؤسسات ذیربط در سطح کشور و نیز در سطح بین‌المللی

نتیجه‌گیری

دانشگاه بسان یک نهاد اجتماعی در قبال توسعه ملی متعهد می‌باشد و این تعهد در پر تو نقش آفرینی پویا بر پایه کارکردهای مورد انتظار به انجام می‌رسد. همچنین، نهاد دانشگاه بسان یک سامانه باز، از رابطه دیالکتیکی پویا و متعادل با محیط پیرامونی و ابرنظام‌های محاط، نهادها و نظام‌های همکار بر خوردار است. دانشگاه‌های پویا در قرن بیست و یکم، دانشگاه‌هایی هستند که کار آفرین بوده و بتوانند ارزش‌های تخصصی و مدیریتی را بی‌پروا و تلفیق نمایند. از دیگر آرایه‌های چنین دانشگاه‌هایی می‌توان به سیر راهبردی و هدفمند، ایجاد توازن بین پژوهش، آموزش و خدمات اجتماعی، تنوع بخشی به منابع تأمین مالی جهت بودجه‌بندی با ثبات و پایداری مالی و

آموزش های علمی - کاربردی . سال سوم، شماره هفتم و هشتم وودهال، ام. (۱۹۹۲) «توسعه اقتصادی و آموزش عالی» (ترجمه بهشتی: ۱۳۷۳). فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵، صص ۱۷۷-۱۹۳

یمینی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۲). برنامه ریزی توسعه دانشگاهی: نظریه ها و تجربه ها. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

Armstrong, Perry (2005) **An Integrated Approach to Entrepreneurship, School of Mechanical and Manufacturing Engineering**, Queen's University, Belfast. Audretsch, D., Keilbach, M. and Lehmann, E. (2006). **Entrepreneurship and Economic Growth**. New York: Oxford University Press.

Bonnen, James T., (1998). **The Land Grant College Idea and Evolving Outreach University**, Garland publication, New York.

kreft, Steven F., and Russell S. Sobel (2005). "Public Policy, Entrepreneurship, and Economic Growth". **Cato Journal** 25(3): 595-616.

Morris, Michael (2006). **The Importance of Being Entrepreneurial in Today's Changing University Environment**. Witting Chair in Entrepreneurship. Syracuse University and Hilton Visiting Chair Iowa State University.

Reynolds, Paul D., William D. Bygrave, and Erkkö Autio (2004). **Global Entrepreneurship Monitor: 2003 Global Report**. Kansas City: Kauffman Center for Entrepreneurial Leadership.

Röpke, Jochen (1998). **The Entrepreneurial University: Innovation, academic knowledge creation and regional development in a globalized economy**. Department of Economics, Philipps- Universität Marburg, Germany

Stevenson, L. (1996) **The Implementation of an Entrepreneurship Development Strategy in Canada: The Case of the Atlantic Region**. ACOA/OECD. Paris.

Tiessen, J.H. & Merrilees, B. (1999). **An entrepreneurial model of SME Internationalization: Evidence from six cases**. In R. Wright (ed.) **Research in Global Strategic Management**, 7: 131-157.

Van Den Hoogen, Jan P. M. (1989). **Institutional Development in Higher Agricultural Education**, in **South-North Partnership in Strengthening Higher Education in Agriculture** edited by W. Van der bor, J.C.M. Shoute and G.A.B. Moore, pudoc Wageningen, Netherlands.

Zacharakis, Andrew L., William D. Bygrave, and Dean A. Shepherd. (2000) **Global Entrepreneurship Monitor: National Entrepreneurship Assessment: United States of America**. Kansas City: Kauffman Center for Entrepreneurial Leadership.

Zhou, Chunyan and Henry Etzkowitz (2004). **The Entrepreneurial University and the Future of Higher Education in China**. Ethiopia Triple Helix Conference. Prepared draft.

و دستگاہهای ذریبط اشاره نمود. در هر حال نیاز است دانشگاه ظرفیتهای کنشگری کار آفرینانه خویش را باز شناسد و بر پایه یک نقشه راه راهبردی و انعطاف پذیر، در فرآیند توسعه کار آفرینی مؤثر و کارآمد عمل نماید.

همچنین لازم است هر دانشگاه به تدوین رهیافت ترویج کار آفرینی و فراهم سازی ملزومات عملیاتی سازی آن بپردازد و با توازن کار کردی، جهت گیری های کار آفرینانه را در تمامی کار کردها و مؤلفه های شاکل در آمیزد. در این صورت است که دانشگاه بسان نهاد کار آفرین پرور و نیز بسان کنشگر کار آفرین می تواند در راستای تحقق جامعه کار آفرین، به مهندسی و معماری کار آفرینی در سطح جامعه مبادرت ورزد.

یادداشت ها

۱. نیکولاس ماکسول. «آیا فیلسوفان دوستدار فرزاندگی هستند؟» (ترجمه علی ملائکه). روزنامه شرق، بخش اندیشه، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۳ سال اول - شماره ۱۸۷.

منابع

آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۲). «کار آفرینی و آموزش عالی: اصول و مواضع». فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت. شماره ۲۹. احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۲). «آیا کار آفرینی استراتژی دانشگاه ها را تغییر می دهد؟» فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت. شماره ۲۹.

اسمیلر، ریموند دابلو و همکاران (۱۹۹۲) «سرمایه گذاری و کارفرمایی دانشگاه: نقش آموزش عالی ایالات متحده آمریکا در تجاری کردن تکنولوژی و توسعه اقتصادی». (ترجمه محسن حکیمی). فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی. شماره پنجم، تابستان و پاییز ۱۳۷۲.

فر استخوان، مقصود (۱۳۸۳). «دانشگاه در موج سوم: یادگیری برای عبور از بحران». فصلنامه علم و آینده، سال سوم، شماره ۹. سامتی و همکاران (۱۳۸۲) «بر آورد تابع تولید آموزش عالی دانشگاه های دولتی ایران». فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره پیاپی ۲۷ و ۲۸، صص ۱-۴۱.

سلطانی، الف. (۱۳۷۶). «مدیریت آموزش عالی به عنوان یک قلمرو حرفه ای و زیربنایی». مجله مدیریت. شماره ۲۵.

شریف زاده، ابوالقاسم و همکاران (۱۳۸۵) **تلوین الگوی نقش آفرینی نهاد مند دانشگاه ها در فرآیند مدیریت توسعه کار آفرینی**. اولین همایش ملی مدیریت کار آفرینی. تهران: مرکز کار آفرینی دانشگاه تهران.

مختاری اسک، حمیدرضا (۱۳۸۴). «نگرشی سیستمی به نقش تکنولوژی اطلاعات به عنوان پارادایمی جدید در اشتغال».